فصلنامهٔ علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی
مقالهٔ پژوهشی، دورهٔ ۲۵، شمارهٔ ۹۱، پاییز ۱۳۹۹، صفحات ۲۷۷ تا ۲۹۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

آثار جانبی مرتبط با محیط‌زیست در حقوق ایران

| **آیت مولائی*** | استادیار گروه حقوق، دانشکدهٔ حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
| **هادی رستمی** | استادیار گروه حقوق، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

گفته می‌شود آثار جانبی، پیامد اقدامی است که بر دیگران به شکل سود یا هزینه وارد می‌شود بدون اینکه در قیمت بازاری کالا محاسبه شده باشد و معمولاً غیرعمدی و غیرانتخابی است. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ داده شده است: الگوی نظام حقوقی ایران برای مقابله با آثار جانبی مرتبط با محیط‌زیست چیست؟ بیشترین تأکید الگوی «مجوزها» بوده است یا الگوی «مجازات‌ها»؟ یافته‌های تحقیق آن است که اولاً؛ توجه اساسیِ نظام قانون‌گذاری ایران به «الگوی مجازات‌محور» معطوف است و الگوی مجوزها نهادینه نشده است. بنابراین الگویِ اخیر با موانعی زیادی روبه‌روست. چنین رویکردی با اهداف اصلی قوهٔ قضاییه (بندهای ۲ و ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی) منافات دارد. ثانیاً؛ در به‌کارگیری ابزارهای مقابله با آثار جانبی از همهٔ ابزارها به‌صورت متوازن استفاده نشده و برخی ابزارها، به‌ویژه ابزارهای بازارمحور جایگاه بسیار نازلی دارند. ثالثاً؛ هرچند ابزارهای «دوست‌دار محیط‌زیست» در برخی از اسناد قانونی ذکر شده است اما در مقابل در برخی از اسناد، اصول حقوقیِ دوست‌دارِ محیط‌زیست به حاشیه رفته است و در نتیجه مالیات‌های سبز نزد نظام قانون‌گذاری ما جایگاه شایسته‌ای را پیدا نکرده است.

واژگان کلیدی: الگوی مقابله با آثار جانبی، مالیات سبز، مسئولیت، نظام حقوقی ایران، هزینه‌های جانبی

---

* نویسندهٔ مسئول؛ *Email:* amulaee@tabrizu.ac.ir

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

مقدمه

«آثار جانبی» (Externality) امروزه در ساحت‌های گوناگون زندگی اجتماعی بشری به حقیقتی غیرقابل‌انکار تبدیل شده که نظام‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی را به یافتن راهکارهایی برای مقابله با آن به تکاپو انداخته است. این مفهوم، نخست در بستر مباحث اقتصادی در دههٔ پایانی قرن ۱۹ میلادی مطرح شد. از آن زمان تلاش برای مقابله با چنین معضلی در چهارچوب کلی نظام‌های مختلف آغاز گردید و تا به امروز رشته‌های مختلف با رویکردهای «بخشی‌نگرانه» گوناگون راهکارهای مختلف سیاسی ـ اجتماعی، حقوقی و اقتصادی مطرح کرده‌اند. حال آنکه جنس موضوعات و مشکلاتی همچون آثار جانبی در همان وضعیت سابق خویش باقی مانده و به‌طور فزاینده‌ای پیچیده گردیده‌اند. چنین تقسیمی البته موجب چندپارگی در توجه به مشکلات و معضلات گردیده که شاید برای حل چنین معضلاتی نیازمند رویکردهای «ترکیبی» و توجهات «میان‌رشته‌ای» هستیم.

بر این اساس، دغدغه‌های فکری و به‌ویژه پرسش‌های آغازین و اساسی متفکران، چندپارگی در واقعیات را تشدید نموده و مبادی اساسی رویکرد آن‌ها را به واقعیات تشکیل می‌دهد. در این میان، به نظر می‌رسد، گام بنیادین در این خصوص، باید نخست توسط حقوق‌دانان برداشته شود و رویکردهای اندیشمندان سایر حوزه‌های علوم انسانی هم‌سو با انگاره‌های حقوقی مطرح گردد. بر این اساس، نقطهٔ تمرکز این تحقیق نیز بر رویکرد حقوقی است.

رویکرد آغازین به نظام ایران گویای وجود پدیدهٔ آثار جانبی می‌باشد؛ وضعیتی که از چالش «حق»های ثالث توسط عاملینی حکایت دارد که هیچ‌گونه رضایتی از جانب ثالث در این خصوص مشاهده نمی‌شود. شگفت آنکه مسبب یا مباشرِ چنین خسارتی، هیچ‌گونه هزینه‌ای از این بابت نمی‌پردازد یا جبران عادلانه‌ای صورت نمی‌گیرد. هدف اصلی این نوشتار یافتن الگوی نظام ایران در مقابله با آثار جانبی است. بنابراین، پرسش اصلی آن است که الگوی نظام حقوقی ایران جهت مقابله با آثار جانبی مرتبط با محیط‌زیست چیست؟ بیشترین تأکید بر الگوی «مجوزها» بوده است یا الگوی «مجازات‌ها»؟ در پاسخ به این سؤال، نخست راهکارهای مقابله با آثار جانبی را به‌طور کلی توضیح داده و سپس رویکرد نظام حقوقی ایران در برابر موضوع به بحث گذاشته می‌شود.

در زمینهٔ آثار جانبی اقتصاددانان مطالب فراوانی نوشته‌اند. برای نمونه، منسفیلد در اثری به پیامدهای آثار جانبی بر کارآمدی اقتصاد و بازار و تخصیص بهینه منابع پرداخته است و نشان می‌دهد که چگونه آثار جانبی، تخصیص بهینه منابع را تحریف می‌کند (Mansfield, 1982: 453-454). اما موضوعِ مقاله حاضر در هیچ اثری به بحث گذاشته نشده است.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی‌تحلیلی به سراغ تحقیق می‌رود. بر این اساس، در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، ضمن توصیف وضعیت موجود به تحلیل آسیب‌شناسانهٔ آن‌ها پرداخته می‌شود تا از این طریق بتوان به الگوی نظام حقوقی ایران در مقابله با آثار جانبی دست پیدا کرد. در همین راستا، نخست رویکردهای فراگیر نسبت به آثار جانبی بررسی می‌گردد. در مرحلهٔ دوم، راهکارهای مقابله با آثار جانبی در حقوق ایران با کاربست الگوی مجازات و الگوی مجوزها، شناسایی و تحلیل می‌شود و سرانجام، مقولهٔ مالیات‌های سبز یا اکولوژیک، برای مبارزه با آثار جانبی، مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. رویکردها نسبت به آثار جانبی

گفته می‌شود «در شکل کلی، اثر جانبی پیامد اقدامی است که بر دیگران وارد می‌گردد و معمولاً غیرعمدی و غیرانتخابی است؛ لذا اثر جانبی پیامد جانبی اوضاع و احوال ناشی از تولید یا مصرف است که بر طرف ثالث در شکل هزینه یا سود وارد می‌گردد بدون اینکه در قیمت بازاری کالا یا خدمات منعکس گردیده باشد.» (مولائی، ۱۳۹۵: ۳۴) این مقوله از جمله مفاهیمی است که در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران اقتصادی، سیاسی و حقوقی موردبحث بوده است (نک: مولائی، ۱۳۹۵: ۳۳-۳۸) و هرکدام بنا به پیش‌فرض‌های خویش به ارائهٔ راهکارهایی درخصوص مقابله با آثار جانبی پرداخته‌اند. برای نمونه از منظر اقتصادی، «توماس» ارائهٔ راهکارها را در جهت «اقتصادی‌سازی» ابزارها تعریف می‌کند (Thomas, 2013) یا اینکه ناکامورا، دغدغهٔ اقتصاددانان را حفظ کارایی و تقویت سازوکار بازار جهت تضمین بهینهٔ تخصیص منابع تعریف می‌نماید (Nakamura, 2003: 15). در این راستا، جان پیرسون چهار سیاست عملی: «کمک‌های رایگان و مالیات پیگویی، چانه‌زنی‌های کاوزی، جوازهای قابل فروش و اقدام اجرایی و مقررات» برای برخورد با این نوع مشکل پیشنهاد می‌کند (پیرسون، ۱۳۷۸: ۴۹۷-۴۹۹). یا اینکه منکیو دو راهکار کلی: «راه‌حل‌های خصوصی (غیردولتی)» و «سیاست‌های بخش عمومی» ارائه می‌دهد (منکیو، ۱۳۸۷: ۲۵۱-۲۴۱). یا اینکه تورنر و همکارانش راه‌حل‌های: «پرداخت بهای انتشار آلودگی»، «جریمه‌های مصرف‌کننده»، «جریمه‌های تولیدات»، «نظام‌های ودیعه‌گذاری ـ بازپرداخت» یا «تعهدات اجرایی و تضمین» و «مجوزهای قابل‌فروش» را برای مقابله با آثار جانبی پیشنهاد می‌دهند (تورنر، پیرس و باتمن، ۱۳۷۴: ۲۲۰-۲۱۶). از منظر سیاسی نیز مدل‌های مختلفی در بین این دسته از دانشمندان مطرح است. برخی همچون لیندر و گای با در نظر گرفتن واقعیت‌های فرهنگی ـ اجتماعی جوامع و ماهیت خاص موضوعات، انتخاب ابزارها را تحت تأثیر ترجیحات ذهنی تصمیم‌گیرندگان قلمداد نموده و به‌سوابق حرفه‌ای، وابستگی سازمانی و دانش آن‌ها و... مرتبط می‌نمایند (Linder & Guy,

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

1989). در پیشنهادات دیگر، (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۵۵) انتخاب ابزارها «تحت تأثیر ویژگی‌های ابزارها، طبیعت مسئلهٔ موجود، تجربیات گذشتهٔ دولت‌ها در مواجهه با همان مسئله یا مسائل مشابه، ترجیحات ذهنی تصمیم‌گیرندگان و...» (هاولت و رامش، ۱۳۸۰: ۲۶۰) مطرح شده است.

در برابر نگاه‌های بالا، راهکارهای حقوقی به اعتبارهایِ گوناگونی مطرح است و چنین می‌نمایاند که عرصهٔ حقوقی شرط لازم کارآمدی و کارایی سایر عرصه‌هاست. علت بنیانیِ رویکردِ حقوق‌دانان به مقولهٔ آثار جانبی را باید در پیامدهای منفیِ اقدامات اصیل نسبت به «حق» ثالث در قالب «خسارت» جست‌وجو نمود. برای نمونه به اعتبار ابزارهایِ مورداستفاده، تقسیم‌بندی خاصی قابل‌طرح است (Daintith, 1998: 350-371) یا با درنظر گرفتن معیار صلاحیت مقامات، اعمال اجرایی مقامات عمومی مطرح است که در چهارچوب صلاحیت‌های قانونی خویش و به استناد اصولی همچون اصل تناسب وظایف و اختیارات، تصمیمات و مقرراتی را در قالب‌هایی همچون «کنترل و نظارت» وضع و به اجرا می‌گذارند. همچنین، به اعتبار معیارهای عمومی و خصوصی، سازوکارهای حقوقی مرسوم درخصوص مقابله با هزینه‌های جانبی را می‌توان به قرار زیر دسته‌بندی نمود:

نخست: قواعد کیفری؛ آن دسته از مواد قانونی و مقررات جزایی هستند که به اشخاصی که موجب ایجاد هزینه‌های جانبی به ثالث می‌گردند، مجازاتی را، به‌طور معمول در قالب جزای نقدی، زندان یا انجام کاری خاص، پیش‌بینی می‌نمایند. چنین سازوکارهایی را دنتیس تحت عنوان اشکال کلاسیک قدرت مطلقه[1] نام‌گذاری می‌کند. (Jowell & Dawn, 1994: 220).

دوم: قواعد مسئولیت مدنی؛ اصول مسئولیت مدنی که به‌مثابهٔ قرارداد یا «در حکم قرارداد»[2] و یا ضمان قهری دربرگیرندهٔ آن دسته مواد قانونی و قواعد مدنی، همچون قاعدهٔ مسئولیت مقید[3] و مسئولیت عینی[4] است که برای ایجادکنندگان آثار جانبی منفی، مسئولیت‌هایی را در قالب اعاده به حالت سابق، پرداخت خسارت به خسارت دیدگان و... پیش‌بینی کرده است. (نگوین، دییه و پله، ۱۳۸۲: ۹۳۶-۹۳۳؛ Birnie & Boyle, 2000: 92 - 93)

یا به‌اعتبار معیارِ ابزارهای پیشینی و پسینی، برای مقابله با آثار جانبی منفی دو دسته قوانین زیر قابل‌ذکر است:

1. Imperium
2. Surrogate Contract
3. Responsibility
4. Liability

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

۱-۱. قواعد پیشینی؛ نظام مجوزها

آن دسته مواد قانونی و قواعد حقوقی است که با تمهیدات مختلف درصدد منع شروع به ایجاد آثار جانبی منفی هستند. در نتیجه در اینجا ورود بازیگران به بازار مستلزم داشتن حداقلی از شرایط است که به «نشان استاندارد» تعبیر می‌شود. طبیعی است که حاکمیت چنین قوانین و قواعدی مستلزم آگاهی و اطلاعات کافی قانون‌گذار درخصوص پیامد اقدامات مختلف است و نشانگر پیشرفته بودن نظام حقوقی، حداقل در این جنبه، می‌باشد. چنین نظامی را به‌حقّ می‌توان «نظام مجوزها» نام نهاد. چراکه در چنین نظامی برای اینکه شخصی بخواهد مجوز اقدامی را اخذ کند که محتملاً دارای آثار جانبی خواهد بود، مستلزم ارائهٔ اطلاعات کافی درخصوص اقدام مربوطه به همراه اطلاعات مربوط به ارزیابی‌های علمی صورت گرفته می‌باشد.

۲-۱. قواعد پسینی؛ نظام مجازات‌ها

دربرگیرندهٔ آن دسته مواد قانونی و قواعد حقوقی است که با تمهیدات گوناگون درصدد تعقیب مطلوب ایجادکنندگان و تولیدکنندگان آثار جانبی منفی در قالب ضمانت‌اجراهای کیفری و مدنی است. در این مورد، مهم آن است که خاطی بدون مجازات و جبران خسارت رها نگردد. بنابراین، چنین نظامی را می‌توان به «نظام مجازات‌ها» تعبیر نمود. مجازات در این مفهوم، معنی فراگیری داشته و شامل تمام ضمانت‌اجراهای کیفری، مدنی و انتظامی می‌شود و تنها به مفهوم مضیق آن محدود نخواهد شد. گفته می‌شود «محیط‌زیست» به‌مثابهٔ شایع‌ترین مصداقِ «کالاهای عمومی» در معرض بیشترین آثار جانبی منفی قرار دارد. در این صورت، اگر بخواهیم ابزارها و الگوهای حقوقی مقابله با آثار جانبی بر محیط‌زیست را ذکر کنیم به‌اعتبار معیار مالیات‌های سبز، می‌توان ابزارهای مقابله با آثار جانبی را به بحث گذاشت.

در ادامه با تکیه بر دو معیار اخیر، به بحث پیرامون آثار جانبی در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

۲. راهکارهای مقابله‌ای ایران با پدیدهٔ آثار جانبی

راهکارهای حقوقی مقابله با پدیدهٔ آثار جانبی با تأکید بر «محیط‌زیست»، به‌مثابهٔ مهم‌ترین مال عمومی، به شرح زیر و در چهارچوب الگوهای مجازات‌محور با ابتنای بر ضمانت‌اجراهای کیفری و مدنی و الگوی مجوزمحور، که به‌دنبال راهکارهای کنشی و پیشگیرانه است، مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

۱-۲. راهکارهای مجازات‌محور

قانون‌گذار ایرانی با کاربست مجازات یا جبران خسارت مالی در قوانین گوناگون به مصاف مقابله با آثار جانبی رفته است. ضمانت‌اجرادار کردن آثار جانبی بخشی از مهم‌ترین اقدامات قانونی بوده است که در پاره‌ای موارد به علت عدم تناسب یا پیامدها، بازدارندگی چندانی در عمل نداشته است.

۱-۱-۲. ابزارهای ناظر بر مسئولیت مدنی

در این خصوص باید گفت که از اساس، نظام مسئولیت مدنی در ایران از اصل تقصیر تبعیت می‌کند مگر در مواردی که قانون‌گذار، استثناهایی را در نظر گرفته باشد. در چهارچوب اصل تقصیر، مهم‌ترین سندِ مقابله با پدیدهٔ آثار جانبی، قانون اساسی است که از یک‌سو، به تکلیف عام یا ضمنی حکومت در این خصوص توجه داشته و به تکلیف دولت دایر بر صیانت از حقوق شهروندان پرداخته است. در این میان، قوهٔ قضاییه، در نوک پیکان مدیریت مقابله با آثار جانبی را بر عهده دارد. آن‌چنان که در اصل ۱۵۶، قوهٔ قضائیه «پشتیبان حقوق فردی» و «احیای حقوق عامه» معرفی شده است. در این راستا، قضات مکلفند به استناد اصل ۱۶۷، در موارد سکوت یا نقص یا اجمال قوانین، با استناد به منابع معتبر، نظیر قاعدهٔ فقهی: «من له الغنم فعلیه الغرم» (مولائی، ۱۳۸۸) حکم شایسته صادر کنند. از سوی دیگر، اصل ۴۰ و بند ۵ اصل ۴۳ به قاعدهٔ «لاضرر و لاضرار» پرداخته و در آن، قانون‌گذار اساسی، پیشگیری از ضرر به دیگری را مطرح کرده است. حکم این قاعده در اصل ۵۰ راجع به ممنوعیت آلودگی یا تخریب محیط‌زیست آمده است. همچنین قانون مدنی، به‌عنوان سند مادر، در مواد مختلفی همچون مادهٔ ۱۳۲ به حکم ایجادکنندگان هزینهٔ جانبی تصریح کرده است. به‌ویژه در باب دوم از قسمت دوم کتاب دوم در مواد ۳۰۷ تا ۳۳۷ با عنوان ضمان قهری، به مسئولیت مدنی اشخاص پرداخته است. نیز مادهٔ ۳ قانون آیین دادرسی مدنی به دروازهٔ طلایی مسئولیت مدنی اشاره شده و آن، همانا «اصول کلی حقوقی» است. در این صورت به استناد اصولی همچون: «اصل آلوده‌کننده باید بپردازد»، راه‌های «سواری مجانی» بسته شده است. همچنین بند «ز» مادهٔ ۶ و مادهٔ ۱۱ «قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» به مسئولیت مدنی شناورهای خارجی تصریح کرده است. در نهایت «قانون مسئولیت مدنی» قابل ذکر است که بخشی از غایت حقوقی مقابله با آثار جانبی منفی از مواد مختلف به‌ویژه مواد ۱، ۲، ۳ و ۱۱ قابل برداشت است. نکتهٔ جالب این قانون، پیش‌بینی خساراتی است که در آینده نیز به‌لحاظ تقصیرخوانده به خواهان وارد خواهد گردید (موضوع مادهٔ ۵).

مهم‌ترین نکتهٔ بحرانی اسناد مرتبط با مسئولیت مدنی، این است که اولاً؛ این اسناد، بر «نظام مبتنی بر تقصیر» استوار شده‌اند و لذا به استناد بند ۱۰ مادهٔ ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، اثبات

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

ذی‌نفع بودن در دعوی برعهدهٔ خواهان قرار داده شده است و در بند ۵ همان ماده به داشتن سمت در دعوی اشاره گردیده است. در حالی که ظهور وضعیت‌های جدید در زندگی اجتماعی انسان‌ها و پیچیدگی ابعاد برخی پرونده‌ها اثبات چنین جایگاهی را برای اشخاص با سختی زیادی مواجه می‌سازد. بر این مبناست که ضرورت «آیین دادرسی زیست‌محیطی» بیشتر قوت می‌گیرد. چراکه سازوکار احرازِ ذی‌نفع در این‌گونه دعاوی، متفاوت از سایر دعاوی است (برای مطالعه بیشتر نک: همتی، ۱۳۹۷؛ رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۷). ثانیاً در باب نهم قانون (موضوع مواد ۵۲۲-۵۱۵) دایرهٔ مطالبهٔ خسارت محدود به امتناع، اتلاف، تسبیب و تقصیر خوانده گردیده است و در همهٔ این موارد به استناد قاعدهٔ «البینه علی المدعی»، آوردن بینه بر عهدهٔ مدعیِ خسارت و هزینه است. ثانیاً؛ در چهارچوب مادهٔ ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، برای دولت، مسئولیتی در مورد خسارات ناشی از اعمال حاکمیت، پیش‌بینی نشده است. این در حالی است که دولتْ امروزه یکی از بزرگ‌ترین آلوده‌کنندگان محیط‌زیست است. البته چنین وضعیتی مخالف «اصل برابری در برابر تحمیلات ناشی از ادارهٔ امور عمومی» است و این وضعیت نمی‌تواند برآورندهٔ اهداف بهینهٔ مقابله با کلیهٔ ابعاد هزینه‌های جانبی باشد.

۲-۱-۲. ابزارهای بیمه‌ای

در این راستا از یک‌سو، «قانون بیمهٔ اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» قابل طرح است که دارندگان چنین وسایلی مکلف به بیمهٔ خودرو می‌باشند. در راستای امر بیمه‌نمودن، در مادهٔ ۱۰، «قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی» کشتی‌های مشمول این قانون در حین ورود به آب‌های ساحلی ایران ملزم به بیمه کردن خویش شده‌اند. همچنین، بند «الف» مادهٔ ۱۱ «قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران» قابل‌ذکر است که در آن، شناورهای صید صنعتی ایرانی و خارجی ملزم به بیمه نمودن شناورهایشان شده‌اند. بهتر بود این ماده به‌صورت اطلاقی ذکر می‌گردید. ایراد این اسناد، اولاً؛ محدود بودن گسترهٔ شمولی آن‌ها به موارد مصرح در قانون مربوطه است و لذا از این حیث، نیازمند تعمیم «نظام بیمه‌ای» هستیم. ثانیاً؛ در سند اخیر به «صلاحیت اختیاری» مقامات ناظر دال بر بیمه نمودن شناورها تصریح شده است و اگر این مقامات به وظیفهٔ قانونی خود عمل نکنند راهکار مشخصی برای الزام آن‌ها وجود ندارد.

۳-۱-۲. ابزارهای جبران خسارت

در این خصوص اسناد زیادی مطرح است، ازجمله می‌توان به مادهٔ ۹ «قانون توزیع عادلانهٔ آب» اشاره داشت که وزارت نیرو را مکلف به جبران خسارت وارده بر صاحب چاه در اثر آلودگی نموده

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

است. جبران خسارت در مواد دیگر، به‌ویژه مواد ۴۳ و ۴۴ نیز پیش‌بینی شده است. نیز در مواد ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۲۹ «قانون نحوهٔ جلوگیری از آلودگی هوا» برای منابع تولیدکنندهٔ آلودگی، الزاماتی در جهت جبران خسارت ناشی از آلودگی پیش‌بینی شده است.

۴-۱-۲. ضمانت‌اجراهای کیفری

توسل به مجازات به‌عنوان آخرین راه‌چاره برای مقابله با آثار جانبی است که در راستای کارآمدی مقولهٔ پیشگیری مورد توجه قرار می‌گیرد. در چهارچوب مواد ۱۲ تا ۱۴ «قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست»، صاحبان یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های موضوع مادهٔ ۱۱ مکلف به توقف و تعطیل نمودن کار یا فعالیت ممنوع‌شده گردیده‌اند و برای متخلفین، مجازات در نظر گرفته شده است. در مادهٔ ۱۰ «قانون شکار و صید» نیز برای مرتکبین تجاوز و تخریب مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش، تخریب چشمه‌ها و غیره، محکومیت جزایی تعیین شده است. البته ارتکاب عمدی عمل مذکور در بند «ه» قانون مذکور، مشمول مادهٔ ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی قرار گرفته است. در مادهٔ ۲۱ نیز در صورتی که مرتکبان جرائم مذکور در این قانون مأمورین سازمان حفاظت محیط‌زیست باشند حداکثر مجازات در نظر گرفته شده است. همچنین در چهارچوب مواد ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۱ و ۳۲ «قانون نحوهٔ جلوگیری از آلودگی هوا»، «کارخانجات و کارگاه‌ها و نیروگاه‌های آلوده‌کننده» مکلف شده‌اند ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی کنند در غیر این‌صورت، مجازاتی همچون تعطیلی، جزای نقدی و حبس صاحبان و مسئولان آن‌ها در نظر گرفته شده است. به‌علاوه در مواد ۱۷ تا ۱۹ قانون مدیریت پسماندها برای متخلفین از مفاد سند مجازاتی تعیین شده است. در مادهٔ ۱۶، ایران در چهارچوب کنوانسیون بازل[1] مکلف به انجام اقدامات لازم کیفری درخصوص نقل‌وانتقال برون‌مرزیِ زباله‌های خطرناک و مضر است. همچنین بند «ج» مادهٔ ۱۰۴ قانون برنامهٔ سوم توسعه برای مستنکفین از تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط قانونی، اخذ جریمه متناسب با خسارت وارده در نظر گرفته است. در فراز ۵ از بند «ز» ماده، آلوده‌سازی هوا توسط موتور سیکلت‌ها و خودروها، از هر نوع که باشند، جزای نقدی تعیین شده است. در مادهٔ ۷۱ قانون برنامهٔ چهارم توسعه این ماده تنفیذ گردیده است. همچنین، به‌موجب مادهٔ ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی...» ممنوع اعلام شده و برای مرتکبین مجازات حبس در نظر گرفته شده است. مطابق مادهٔ ۶۹۰ نیز تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و منابع طبیعی به مجازات حبس محکوم می‌گردند.

1. Bazel Convention on the Control of TransboundaryMovements of Hazardous Wastes and Their Disposal, Bazel, 1989.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

پیش‌بینی حبس تا یک سال برای جرائم مذکور است. مهم‌ترین مشخصه برای ارزیابی شدت یک رفتار، توجه به پیامدهای آن رفتار است. هر اندازه که میزان پیامدها و ضررها گسترده‌تر باشد، مجازات به همان نسبت باید شدیدتر گردد. تهدید سلامتی شهروندان، که گسترهٔ زیادی را در برمی‌گیرد، در بدترین حالت تا یک سال حبس دارد، حال آنکه مجازات سرقت ساده در مادهٔ ۶۶۱ قانون مجازات سلامی (تعزیرات) سه ماه و یک روز تا دو سال حبس در پی دارد. این مشکل، که در بیشتر جرائم دیده می‌شود، ناشی از آن است که قانون‌گذار در جرم‌انگاری و کیفرگذاری معیاری برای رعایت تناسب در دست نداشته و بدون لحاظ پیامدها یا سرزنش‌پذیری رفتار، قانون تعزیرات را وضع نموده است.

در این راستا، «قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع» در مواد گوناگون، به‌ویژه مواد ۴۳ تا ۴۰ «بریدن و ریشه‌کن کردن بوته‌ها، خارها و درختچه‌های بیابان و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و بیابانی» ممنوع اعلام و برای مستنکفین از حکم مواد یادشده، مجازاتی در نظر گرفته است. چنین رویکردی در مادهٔ ۲۲ «قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران» پیش‌بینی شده و از جمله جرائم پیش‌بینی شده برای صیادان خارجی را «ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماری‌های مسری و تخلیهٔ فاضلاب‌های صنعتی و هرگونه مواد آلاینده» ذکر کرده است. رویکرد جرم‌انگار در حیطهٔ منابع آبی در اسناد دیگر، ادامه پیدا کرده و به‌ویژه در مادهٔ ۲ «قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی» آلوده نمودن «رودخانه‌های مرزی و آب‌های داخلی و دریای سرزمینی ایران به نفت یا هر نوع مخلوط نفتی» جرم‌انگاری شده و در مادهٔ ۴۵ قانون توزیع عادلانهٔ آب، به مسئولیت جزائی افرادی که عمداً به‌نحوی از انحاء به ضرر دیگری آبی را هدر دهند؛ تصریح شده است. افزون بر این، به‌موجب مادهٔ ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی «پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک» در شرایطی حکم افساد فی‌الارض را دارد که مستوجب اعدام مرتکب خواهد بود.

رویکرد بالا در اسناد دیگری، به‌ویژه در مادهٔ ۷ «قانون اصلاح قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن» پیش‌بینی شده و ریختن هرگونه «زباله، نخاله، مصالح ساختمانی، روغن موتور و نظایر این‌ها...» ممنوع اعلام شده و برای مرتکبینِ چنین جرائمی، مجازات حبس در نظر گرفته شده است. در مادهٔ ۱۸ «قانون حفاظت در برابر اشعه» نیز برای خاطیان از قانون، حسب مورد حبس یا جزای نقدی در نظر گرفته شده است. وانگهی، مادهٔ ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اقدامات پیشگیرانه‌ای را برای مقابله با آثار جانبی پیش‌بینی نموده است. به‌موجب این ماده، بازپرس مکلف است در مواردی که «حسب قرائن معقول و ادله مثبته»، از ادامهٔ فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی یا

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

کارخانه‌ها یا شرکت‌ها که متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشند که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی است با اطلاع دادستان، جلوگیری نماید.

در تمامی موارد بالا، قانون‌گذار، نگاه اصلی‌اش به آثار جانبی مجازات‌محور بوده و به الگوی مجوزها چندان تمایلی نشان داده باشد. کاربست این الگو، فضای ابزارها را محدود به سازوکارهای پسینی و تعقیبی کرده و در نتیجه مقابله با آثار جانبی الزاماً به سمت رویکردهایِ «منفعلانه»، «محدودنگر» و «بخشی‌نگر» می‌رود. این در حالی است که در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، روش‌ها و راهکارهای جدیدی در این خصوص ارائه می‌شود تا زمینهٔ بازگشت‌پذیری بزهکار به جامعه تسهیل شده و رغبت اخلاقی و وجدانیِ دوباره به انجام چنین عملی را نداشته باشد. از حیث تحلیل اقتصادی حقوق نیز تناسبی در کیفرها دیده نمی‌شود و با توجه به میزان مجازات، گاه سود جرم از تاوان (هزینه) آن بالاتر رفته و جنبهٔ بازدارندگی ندارد. جرمی بنتام، فیسلوف فایده‌گرا، در توجیه کیفرشناسی فایده‌گرا، قاعدهٔ میانه‌روی یا امساک یا اصل حداقل هزینهٔ کیفر[1] را مطرح می‌کند که طبق آن، کیفرها نباید شدیدتر از حد موردِ نیاز برای ایجاد بازدارندگیِ فایده‌گرا باشند. از نظر وی، شدت بیش از حدّ کیفر باعث تحمیل رنج غیرضرور بر مرتکب می‌شود و لاجرم تمامی رنج‌ها بد است، مگر آنکه از یک رنج بزرگ‌تر پیشگیری کند یا خوشبختی بیشتری به بار آورد (نک: رستمی، ۱۳۹۵: ۱۴۳-۱۴۲).

۵-۱-۲. کاربست جایگزین‌ها

در مادهٔ ۴ «لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها» محافظت از اشجار و تعیین مجازات جایگزینِ دو برابری درخت قطع شده از اهم وظایف شهرداری‌ها اعلام گردیده است و مالکین باغات مکلف شده‌اند دو برابر اشجاری که اجازهٔ قطع آن‌ها از طرف شهرداری‌ها صادر شده است، دوباره غرس نمایند. پیش‌بینی چنین تکلیفی برای شهرداری، هرچند مناسب بوده اما نباید فراموش کرد که وظیفهٔ اولیهٔ شهرداری چنین امری نبوده و چه‌بسا شهرداری در درک اهمیت چنین مسئولیتی ناتوان باشد، زیرا شهرداری نهادی خدماتی بوده و حفاظت از اموال عمومی و مشترک در صلاحیت ذاتی سازمان حفاظت محیط‌زیست تعریف شده است. آن‌چنان که چند سال پیش شهرداری تهران برای احداثِ اتوبانی در تهران اقدام به محو قسمتی از جنگل‌های لویزان تهران نمود و خود را در برابر هیچ شخصی پاسخ‌گو نیافت.

رویکرد جایگزین‌سازی به نوع دیگری در مادهٔ ۷ قانون مدیریت پسماندها، پیش‌بینی شده و «مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه»، به‌عهدهٔ تولیدکننده قرار داده شده است. در مادهٔ ۱۵ در جهت جلوگیری از ایجاد هزینه‌های خارجی و در راستای سازوکارهای پیشینی و پسینی،

1. The Principle of Parsimony in Punishment

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

تولیدکنندگان پسماندهای ویژه موظف به حداقل‌سازی پسماندهای خود از طریق «بهینه سازی فرایند و بازیابی پسماندهای خود» در حد مجاز قانون نموده است.

۲-۲. راهکارهای مجوزمحور

در الگوی مجوزها، سازوکارهای «فعالانه» و «پیشگیرانه» به کار گرفته شود تا فضا برای سواری مجانی اشخاص یا ایراد خسارت به غیر یا انجام عمل مجرمانه با موانع جدی روبه‌رو شود. از منظر جرم‌شناسی نیز راهکارهای مجوزمحور با الگوی پیشگیری وضعی، که به‌دنبال خنثی کردن اندیشهٔ مجرمانه از رهگذر ایجاد موانع یا کاستن از بزهکاری از طریق دستکاری در فرصت‌های پیش‌جنایی است (نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۸۱-۵۸۰)، انطباق و نزدیکی بیشتری دارد. این نوع پیشگیری، با استفاده از اهرم‌ها و ابزارهای خاص و نیز مسئول کردن جامعه، آثار جانبی را کاهش داده و به سالم‌سازی محیط‌زیست مدد می‌رساند. مهم‌ترین اسناد مرتبط با محیط‌زیست که در آن‌ها الگوی مجوزها پیش‌بینی شده‌اند، به شرح زیر مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است:

۱. در مواد ۷، ۱۵، ۱۷ و ۱۸ «قانون مدیریت پسماندها» در راستای الگوی مجوزها، وظایفی برای تولیدکنندگان آلودگی در جهت رفع آلودگی، جلوگیری از ایجاد هزینه‌های خارجی با رعایت حد استاندارد آلودگی در نظر گرفته شده که مکلف به آن استانداردها هستند.

۲. وفق بند ۵ مادهٔ ۱۸ «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت»، انجام معاینه فنی خودروها اجباری بوده و برای رانندگی باید شرایط مقرر رعایت شود. این ماده اقدامی در جهت نظام مجوزها بوده و بدین وسیله دارندگان وسایل نقلیه، ناگزیرند استانداردهای تعریف‌شده را رعایت کنند.

۳. در بند «ج» مادهٔ ۱۰۴ قانون برنامهٔ سوم توسعه، واحدهای تولیدی موظف به تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها گردیده‌اند و برای متخلفین، جریمه در نظر گرفته شده است. این ماده به استناد مادهٔ ۷۱ قانون برنامهٔ چهارم توسعه، تنفیذ گردیده است. در اینجا الگوی مجازات و مجوزها به‌عنوان ابزارهای مکمل به‌کار برده شده است.

۴. مادهٔ ۶ «قانون توزیع عادلانه آب»، «صاحبان و استفاده‌کنندگان از چاه یا قنات» را مسئول جلوگیری از آلودگی آب چاه معرفی نموده است. چراکه چنین منابع آبی در محدودهٔ اموال مشترک قرار داشته و تبعاً آسیب‌پذیری چنین منابعی از همدیگر بیشتر است.

۵. در مادهٔ ۱۸ «قانون نحوهٔ جلوگیری از آلودگی هوا»، به دولت اجازهٔ تعریف نظام مجوزها در ارتباط با آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات یا کارگاه‌ها داده شده است و دولت در صورت صلاحدید و موافقت حسب مورد اقدام خواهد کرد. در مادهٔ ۲۰ منابع آلوده‌کننده در جهت کاهش آلودگی هوا موظف به استفاده از سوخت و سیستم‌های احتراقی مناسب گردیده‌اند. در مادهٔ ۲۳ نیز

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

کلیهٔ منابع آلوده کننده مکلف گردیده‌اند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از آلودگی، ترجیحاً گاز شهری استفاده نمایند.

۶. در مادهٔ ۱۱ «قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست» به سازمان محیط‌زیست مسئولیت داده شده است به منابع آلوده‌کننده اخطار نماید ظرف مدت معین نسبت به رفع موجبات آلودگی اقدام نمایند. در غیر این صورت از فعالیت آن‌ها جلوگیری خواهد شد. مفاد این ماده در مادهٔ ۱۴ «قانون نحوهٔ جلوگیری از آلودگی هوا» درخصوص آلودگی تکرار گردیده است.

۷. وفق مادهٔ ۴۲ «قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها»، «بریدن و ریشه‌کن کردن و سوزانیدن نهال و درخت و...» بدون اخذ پروانه از وزارت‌کشاورزی ممنوع است. اینکه آیا صدور «پروانه» می‌تواند نمودی از نظام مجوزها باشد یا نه؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ مثبت است.

بدین‌سان، در نظام حقوقی ایران، الگوی مجوزها در برخی از متون قانونی شناسایی می‌شوند. این الگو، به‌رغم مزیت‌هایی که دارد، دارای ایرادهایی است. نخستین ایراد این روش آن است که این متون، «شامل» و «همه‌گیر» نیستند و همچنان حوزه‌هایی از حیات اجتماعی از گسترهٔ شمولی این اسناد خارج هستند. به این اعتبار، در ایران، نظام جامع و مانع مجوزها را نداریم. دوم؛ در این اسناد، ضمانت‌اجرایِ مؤثر و کارآمدی دربارهٔ ابزار مجوزها وجود ندارد. بخشی از این وضعیت را باید ناشی از فرهنگِ گریز از قانون دانست که در آن، فضا برای همکاری شهروندان با دولت درخصوص کنترل و صدور مجوزها وجود ندارد و در چنین فضایی، راهکارهای صدور مجوز نمی‌تواند به‌صورت کارآمدی عملیاتی شوند. چنانچه دولت یا نهادهای متولی بتوانند با تمهید زیرساخت‌هایی، الگوی مجوزها را به‌صورت مناسب و با کمترین نقصی، پیاده کند و در همین راستا ابزارهای نظارتی و کنترلی را تقویت نماید، بی‌گمان، گام بلندی در مقابله با آثار جانبی برداشته است.

۳. مالیات‌های سبز یا اکولوژیک

مالیات سبز، مالیاتِ دوستدارِ محیط‌زیست است؛ بدین معنا، به اشخاصی که اعمالشان دارای آثار جانبی منفی نبوده، مالیات پایین‌تر تعلق گرفته و آن‌هایی که اعمالشان دارای آثار جانبی منفی است، به همان میزان مالیات بیشتری می‌پردازند، مانند مالیات‌های اکولوژیکی[1] (Beck, 1999). در نگاه نخست، چنین می‌نمایاند که در برخی از اسناد این رویکرد پیش‌بینی شده و از فحوای قوانین مختلف مالیاتی موارد زیر را می‌توان به‌عنوان قوانین مالیاتی سبز در نظر گرفت؛ به‌نظر می‌رسد بیشتر این‌ها جنبهٔ تشویق فعالان اقتصادی به فعالیت در عرصه‌ای خاص یا قلمرو جغرافیایی خاص داشته

1. Ecological Taxes

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

باشد. به‌یک اعتبار می‌توان گفت که این مواد برآورندهٔ بخشی از اهداف حداقلی این‌گونه مالیات‌ها نیز می‌باشند.

۱-۳. به‌کارگیری برخی اصول حقوقی

در برخی از اسناد، رعایت اصول زیست‌محیطی، ابزاری در خدمت مقابله با آثار جانبی درآمده است. برای نمونه، بند «ج» مادهٔ ۱۰۴ قانون برنامهٔ سوم توسعه هم‌سو با رویکرد «اصل پیشگیری» و نظام مجوزها و در جهت کاهش عوامل آلوده‌کنندهٔ محیط‌زیست، به‌ویژه در مورد منابع طبیعی و منابع آب کشور، واحدهای تولیدی را موظف به تطبیق مشخصات فنی خود با ضوابط محیط‌زیست نموده است و «هزینه‌های انجام‌شده در این مورد به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول واحدها منظور می‌گردد». این ماده در راستای مادهٔ ۷۱ قانون برنامهٔ چهارم تنفیذ شده است. البته، اگر گسترهٔ ماده محدود به «واحدهای تولیدی» نمی‌شد و دیگر واحدها را نیز تحت شمول قرار می‌داد، بهتر بود. مطابق بند «د» مادهٔ ۴۵ «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین»، به‌منظور پیشگیری از آلودگی، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها موظف‌اند یک در هزار فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط‌زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز نمایند. در راستای اصل پیشگیری، از آنجایی که آلوده‌کنندگان عمدهٔ محیط‌زیست «کارخانه‌ها و کارگاه‌ها» هستند، قانون‌گذار نیز آن‌ها را مکلف به انجام موارد بالا نموده است؛ هرچند چنین ابزاری را نمی‌توان به معنی واقعی کلمه در دستهٔ مالیات‌های سبز قلمداد نمود. همچنین، در جهت اهداف «اصل محافظت از محیط‌زیست»، مادهٔ ۲۵ «قانون معادن»، وزارت «صمت» را مکلف به واریز ۳٪ از حقوق دولتی دریافتی به‌منظور بازسازی مناطق عملیات معدنی نموده است. وانگهی، هم‌سو با «اصل جلوگیری» و «اصل حفاظت از محیط‌زیست شهری»، بند ۲۰ مادهٔ ۵۵ «قانون شهرداری»، شهرداری را مکلف کرده از تأسیس کارخانه‌ها و... که ایجاد آلودگی و غیره می‌نمایند جلوگیری نماید. این ماده چنان گسترده است که شهرداری را در جایگاه اولیهٔ مقابله و کنترل آلودگی شهرها و پیشگیری از ایجاد هزینه‌های جانبی قرار می‌دهد؛ به‌نحوی که هم واجد صلاحیت مقررات‌گذاری شده و هم از صلاحیت گستردهٔ اجرایی برخوردار است. در مقابل، در اسناد دیگری به شهرداری اجازهٔ ایجاد آثارجانبی داده شده است، بدون آنکه راهکار مشخصی برای جبران آن اندیشیده شود.

مادهٔ ۵۹ قانون برنامهٔ چهارم توسعه در راستای «اصل ارزیابی»، سازمان برنامه‌وبودجه را مکلف ساخته بود با همکاری سازمان محیط‌زیست و سایر دستگاه‌ها برای برآوردِ ارزش‌هایِ اقتصادی، منابع طبیعی و زیست‌محیطی هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط‌زیست در فرایند توسعه و

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

محاسبهٔ آن در حساب‌های ملی، به تنظیم دستورالعمل‌های محاسبهٔ ارزش‌ها و هزینه‌های موارد دارای اولویت، اقدام لازم را صورت داده و نزد مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. مواد ۶۳، ۶۸ و ۶۹ قانون نیز در راستای اصل حفاظت از محیط‌زیست، وظایفی را برعهدهٔ دولت قرار داده بود. چنین تدابیری هرچند می‌تواند اقدامی در جهت کاهش هزینه‌های جانبی برای کالاهای عمومی و مشترک به‌حساب آید، اما نمی‌توان در موفقیت آن‌ها اظهارنظر قطعی نمود؛ زیرا اجرای بیشتر تدابیر پیش‌بینی شده، مثل بند «د» مادهٔ ۶۹، مستلزم انجام اقدامات دیگر و چه‌بسا وضع قوانین جدید بود که متأسفانه انجام نگرفت. به‌رغم آنکه زمینهٔ کلی نظام مجوزها از مواد مذکور قابل استخراج است، در عمل قوانین و مقررات جامعی جهت الگوسازی مجوزها به‌تصویب نرسیده است.

۲-۳. استفادهٔ وارونه از برخی از اصول حقوقی

آن‌سان که گفته شد، اصول حقوقی، یکی از ابزارهای شایع مقابله با آثار جانبی است و چنین انتظار می‌رود که قانون‌گذار با درک صحیح چنین امری، به تصویب اسناد شایسته بپردازد. اما در اسنادی، خلاف این رویه مشاهده می‌شود. شایع‌ترین سند در این خصوص، مادهٔ ۳ قانون اصلاح موادی از قانون برنامهٔ سوم توسعه است که در آن «اصل آلوده‌کننده باید بپردازد» وارونه به کار رفته است؛ به‌نحوی که برای اشخاصی که آلودگی بیشتری تولید می‌کنند مالیات و عوارض کمتر و برای آن‌هایی که آلودگی کمتری تولید می‌کنند مالیات بیشتری درنظر گرفته شده است. زیرا، در بندهای «ج» و «د» مادهٔ مذکور، عوارض و مالیات دریافتی برخلاف پایداری محیط‌زیست و موجب تولید هزینه‌های جانبی برای دیگران است. چنین وضعیتی، از آنجایی که فضا را برای آلوده‌کنندگان تسهیل نموده و نوعی از تشویق مالی برای تولید هزینهٔ جانبی برای دیگران به‌شمار می‌آید، نمی‌تواند زمینه‌ساز نظام مالیات سبز در ایران گردد. با این‌حال، ذیل بند «ه» در جهت تشویق مالیات‌های سبز، در ظاهر برای محصولاتی که آلودگی کمتری دارند، دریافت عوارض یک درصدی در نظر گرفته شده و از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. این سیاست تقنینی سرگردان، می‌تواند موجب سرگردانی عملی اشخاصی که از آثار جانبی متحمل خسارت شده‌اند، گردد. این سبکِ قانون‌نویسی به نوع دیگری در مادهٔ ۲۵ قانون معادن تکرار گردید و در آنجا صرفاً ۳٪ از حقوق دریافتیِ دولتی، صرف بازسازی و بهبود منطقهٔ مورد عملیات خواهد شد، بدون اینکه تکلیف بقیهٔ جبران خسارتی که به محیط‌زیست وارد شده است مشخص گردد.

۳-۳. استفاده از ابزار «کنترل و فرمان»

درخصوص این ابزار، مهم‌ترین سند، «قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی... و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راهسازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آن‌ها» است که در

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

جهت بهبود محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی هوا مقرر نموده است: «معادل یک درصد حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات به مأخذ ارزش سیف از کلیه خودروهای سواری وارداتی وصول و به حساب درآمد عمومی کشور واریز خواهد شد. تا صرفاً برای بهبود محیط‌زیست به مصرف برسانند.» این رویکرد در مادهٔ ۱۳۴ قانون برنامهٔ سوم توسعه نیز پیش‌بینی شده بود. این ماده نیز در مادهٔ ۸۳ قانون برنامهٔ چهارم تنفیذ گردید. مشکل اسناد مذکور این است که ضمانت‌اجرای دقیق برای اجرایی شدن آن‌ها پیش‌بینی نشده است.

۴-۳. توجه به ابزارهای اقتصادی از طریق تشویق مالی

در برخی از اسناد قانون‌گذار به ابزار تشویق مالی توجه کرده تا بدین‌سان، تولیدکنندگان و عوامل هزینه‌های جانبی را به کاهش آثار جانبی به دیگران تشویق نماید. در برخی متون قانونی، از تکنیک «معافیت مالیاتی» استفاده شده است. برای نمونه، مطابق مادهٔ ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمد مشمول مالیات ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش‌های تعاون و خصوصی که از آغاز سال ۱۳۸۱ به بعد جواز فعالیت گرفته‌اند، از تاریخ شروع ۸۰ درصد و به مدت ۴ سال و در مناطق کمتر توسعه‌یافته به میزان صددرصد به مدت ده سال از پرداخت مالیات موضوع مادهٔ ۱۰۵ قانون معاف هستند. آنچنان که از موارد بالا برمی‌آید مالیات‌های سبز نزد نظام قانون‌گذاری ما جایگاه شایسته‌ای را پیدا نکرده است.

نتیجه

در ارزیابی نظام حقوقی ایران و در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش نتایج زیر قابل بررسی است:

نخست، نظام حقوقی ایران بیش و پیش از الگوی مجوزها، به الگوی مجازات‌ها نزدیک است که ثمرهٔ آن، بروز و ظهور حلقهٔ گسترده‌ای از ناظران حکومتی جهت تعقیب اعمال بزهکارانه اشخاص و کشف واقع می‌شود. چنین وضعیتی، بار سنگینی را برعهدهٔ نهادهای نظارتی، به‌ویژه بر دوش قوهٔ قضاییه گذاشته و عوارضی را همچون تورم پرونده‌های قضایی و اطالهٔ دادرسی را موجب شده است. وانگهی، نوع ضمانت‌اجرها و پاسخ‌های واکنشی و عدم رعایت تناسب بین پیامدهای آثار جانبی و مجازات‌های پیش‌بینی شده، کارآمدی و وصف بازدارندگی آن‌ها را به شدت تقلیل داده است. اختیارات گستردهٔ قاضی در تخفیف یا تبدیل مجازات و فقدان موانع برای شمول نهادهای ارفاقی، در عمل نوعی سیاست جنایی خفیف و ملایم برای این بزهکاران به تصویر می‌کشد. با وجود حجم بالایی از ابزارهایِ مجازات‌محور و نیز به‌رغم تلاش پاره‌ای از ارگان‌هایِ نظارتی جهت کنترل اعمال خاطیان، میزان تخلفات و جرم‌ها در حال فزونی است و میل به تولید هزینهٔ جانبی برای دیگران کم‌هزینه جلوه می‌کند. این وضعیت نمود بارزی از عدم تناسب سلاح‌های مجازات و میزان آن بوده

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

و گویای ناکارآمدی پاسخ‌ها در قبال آثار جانبی است. چنین اوضاع و احوالی، به‌ویژه در ارتباط با اموال مشترک و عمومی، مشخصاً در ارتباط با محیط‌زیست، قابل مشاهده است. در نتیجه، خاطیان، با در نظر گرفتن منطق «سود ـ هزینه» اقتصادی، ریسک انجام خطا و جرم را می‌پذیرند. بر این مبنا، باید گفت که نظام مجازات‌محور در مقابله با آثار جانبی دچار چالش جدی است.

دوم، ارزیابی انتقادی راهکارهای مقابله با پدیدهٔ آثار جانبی به معنای آن نیست که الگوی مجازات‌ها و مجوزها نقیض هم به شمار آمده و باید یکی به نفع دیگری کنار گذاشته شود. هر نظامی لاجرم به هر دوی آن‌ها نیازمند بوده و به نظر می‌رسد رویکردهای مذکور دو رویِ یک سکه هستند؛ این‌ها به‌مثابهٔ دو بال فرشته عدالت بوده و مکمل همدیگرند. قانون‌گذار به فراخور اقتضائات زمانی، مکانی، موضوعی و شخصی از این دو رویکرد جهت احقاق عدالت در جامعه استفاده می‌کند. بر این اساس، نگاه یک‌جانبه به یکی از این ابزارها، زمینه‌ساز چالش آن سازوکار خواهد بود. به‌نظر می‌رسد، توجه بیش از حد قانون‌گذار به نظام مجازات‌محور، که در نوع خود تناسب و بازدارندگی لازم را ندارند، خاطیان را به این سمت خو داده که در هزینه‌های کلیِ اعمال خود، هزینهٔ مجازات را نیز لحاظ نموده و در نتیجه از کارآیی آن بکاهند.

سوم، در ارتباط با نظام کنترل، با پدیدهٔ تداخل و توازی صلاحیت در هر دو شکل مثبت و منفی‌اش، مواجه هستیم که البته این وضعیت می‌تواند موجب عدم کارایی و نزول عدالت از جایگاه شایسته‌اش گردد. چنین اوضاع و احوالی در متون و اسناد گوناگون حقوقی ایران وجود داشته است. برای نمونه تداخل صلاحیت مثبت سازمان حفاظت محیط‌زیست و شهرداری‌ها در ارتباط با آلودگی هوا، به شرحی که بررسی شد، قابل توجه است. وجود نهادهای موازی از نوعی راهبرد یا سیاست سرگردان پرده بر می‌دارد.

چهارم، سیطرهٔ الگوی مجازات‌ها بر نظام قانون‌گذاری ایران باعث شده قانون‌گذار نتواند ابزارها را به‌نحو مطلوبی به کار گیرد. شایسته‌تر بود، قدرت انتخاب بیشتری از میان ابزارهای مختلف داوطلبانه، اجباری و ترکیبی و سایر ابزارها، (برای مطالعه انواع ابزارها نک:-Daintith, 1998: 350 371 & Jowell and Dawn, 1994: 209–23 Bronwen and Yeung, 2009: 79-146) برای مقامات و مراجع ذیصلاح اجرایی در نظر گرفته می‌شد. ابزارهای متعدد می‌توانند در موقعیت‌های مختلف، نتایج گوناگونی داشته باشد. همچنین برای ایجادکنندگان آثار جانبی قدرت انتخاب متنوعی را پیش‌بینی می‌نمود تا بسترهای انگیزشی مثبت برای چنین تولید کنندگانی فراهم گردیده و امکان تولید آلودگی و هزینهٔ جانبی را در حد زیادی پایین می‌آورد. وانگهی، برخی از قواعد حقوقی متناسب با تغییر و تحولات جامعه دچار تحول نگردیده و در نتیجه نقصان‌ها یا خلأهایی جهت مقابله با

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

هزینه‌های جانبی ملاحظه می‌شود. ازجمله مهم‌ترین آن‌ها قواعد مسئولیت است. چنین عقب‌افتادگی‌هایی، کارآمدی دیگر قواعد را نیز دچار نقصان یا عدم کارایی نموده است. بر این مبنا، شایسته است مقولهٔ مسئولیت مدنی، دست‌کم در حوزهٔ اموال عمومی و مشترک، موردبازبینی اساسی قرار گیرد.

پنجم، مدل دولتی برآمده از نظام ایران گویای الگوی «دولت مداخله‌گر» است.[۱] در چنین الگویی، دولت خود مؤثرترین عنصر در ایجاد آثار جانبی بوده و مهم‌ترین سازوکار، یعنی سازوکار نظارت قضایی، در چنبره کلیت نظام، کارایی‌اش رنگ می‌بازد. در اینجاست که ابزارهای فراحقوقی، همچون نظارت سازمانهای مردم‌نهاد می‌تواند خلأها و نقصان‌های نظارت قضایی را جبران نماید. در حالیکه در عمل برای جامعهٔ مدنی، نقش کنترلی پیش‌بینی شده بسیار نحیف و ناکارآمد است و تمام مسئولیتِ کنترل بر عهدهٔ نهاد دولت قرار گرفته است و چنین تقسیم مسئولیتی میان دولت و ملت نشان از یک‌جانبه‌انگاری‌ها در ذهنیت قانون‌گذار ایرانی دارد. بنابراین، ضرورت همسانی و هماهنگی ابزارهای گوناگون با مدل دولت اجتناب‌ناپذیر است.

ششم، هرچند که دو رویکرد مجازات‌محور و مجوزمحور بر مفهوم «کنترل» بنیان گذاشته شده‌اند و تفاوت آن‌ها در شیوهٔ مقابله با هزینهٔ جانبی است؛ به این نحو که نظام مجازات‌محور بر کنترل پسینی توجه داشته، اما نظام مجوزها بر کنترل پیشینی تمرکز دارد، اما کنترل پیشینی بر کنترل پسینی برتری دارد. این تفاوت در شیوه، موجب ارزش‌گذاری بر این دو شیوهٔ نگرش می‌شود. از آنجایی که از نقطه‌نظر منطقی، «پیشگیری بهتر از درمان است»، بر مبنای این گزارهٔ منطقی، در چهارچوب رویکرد مجوزمحور، هزینهٔ کلیِ «ادارهٔ امور عمومی» توسط دولت به‌شدت پایین می‌آید و می‌تواند زمینه را جهت ورود به فضای دولت محدود فراهم کند؛ امری که «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۶ در پی آن بوده است.

هفتم، از آنجایی که نظام مجوزها بر کنترل پیشینی استوار است، این ضابطه به عدالت نزدیک‌تر است، زیرا الگوی مذکور در مقام کنترل اداری و اجرایی بر انتزاعی بودن و ذهنی بودن، کلی بودن و نوعی بودن استوار است. به این دلیل که مقام کنترل‌کننده، بدون آنکه با دعوای عینی و در عالم خارج مواجه باشد، فقط به‌صورت ذهنی و کلی و با ذهن خالی نسبت به مورد خاص، به ترسیم رئوس و خط‌مشیِ کلی می‌پردازد. در نتیجه، فسادهای احتمالی حینِ عمل یا بعد از عملِ مقامات اجرایی

---

۱. مهم‌ترین دلیل چنین ادعایی را در قانون اساسی می‌توان اصولی همچون اصل ۳، ۴۳، ۴۴، ۴۵ ذکر نمود که بر اساس آن‌ها دولت در شئون مختلف جامعه همه‌جا حاضر است.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

کنترل کننده، نظیر جانب‌داری، موضوعاً منتفی می‌شود. به این اعتبار نظام مجوزها بر نظام مجازات‌ها رجحان پیدا می‌کند چراکه عادلانه جلوه می‌کند.

هشتم، ازجملهٔ راه‌حل‌ها جهت تنظیم از نظر کارایی اقتصادی، تعیین حقوق مالکیت از سوی دولت و در نتیجه آزادکردن نیروهای بازار است. به‌عبارت دیگر، بحث آثار خارجی منفی در ارتباط وثیق با سیستم بازار، یعنی نارسایی آن، و نظام مالکیت قرار دارد. در عرصهٔ بازار اگر ما ناگزیر از استفاده از ابزارهای مختلف مقررات‌گذاری و به‌ویژه ابزارهای دارای کارآمدی اقتصادی، برای ادارهٔ امور هستیم، باید اذعان نمود که در عرصهٔ سیستم مالکیت نیز ناگزیر از تغییرات هستیم. در سطحی گسترده‌تر و عمیق‌تر، شاید باید به بیان میشل فوکو به لحظهٔ «گسست معرفت‌شناختی» در نظام مالکیت رسیده‌ایم. در این صورت آن فهم معرفتی رایجی که از مالکیت وجود داشت امروز دیگر کارایی نداشته و وجود آثار جانبی فزاینده خود دلیل متقنی بر ادعاست. قانون‌گذار شوربختانه از مکانیزم‌های انگیزشی مثبت به‌ویژه ابزارهای بازارمحور برای مقابله با معضلات مربوط به هزینه‌های جانبی استفاده نکرده است. در مواردی که قانون‌گذار در کنار نظام مجازات به نظام مجوزها نزدیک شده است، اما به استانداردسازی دقیق رفتار نرسیده است و این یعنی بحران در الگوشناسی.

سرانجام، باید گفت، سازوکارهای گوناگونی برای مقابله با آثار جانبی وجود دارد. کاربست حقوقی و استفاده از ضمانت‌اجراهای کیفری، مهم‌ترین و کارآمدترین شیوه در این میان است و این رویکرد، بنیان سایر عرصه‌ها را نیز شکل می‌دهد و تا زمانی که نظامی به‌طور مؤثر تکلیف خویش را در ساحت حقوقی با آثار جانبی مشخص ننموده باشد، خط‌مشی‌های سایر عرصه‌ها کارآیی لازم را نخواهد داشت.

پیشنهادهای زیر جهت بهبود وضعیت ارائه می‌گردد:

۱. در راستای نگرش اقتصادی به حقوق، شایسته و بایسته است، نظام مجازات‌ها، با اتخاذ الگوی پیامدگرایانه و با ابتنا بر «تحلیل هزینه و سود» استوار باشد؛ به‌نحوی که از نظر اقتصادی، برای تولیدکنندگانِ آثار جانبی، هزینهٔ اثر جانبی از سود آن بسیار بیشتر باشد تا رابطهٔ معنادار میان قصور اشخاص و میزان مجازات پیوسته باقی بماند. بازنگری در مجازات‌ها و رعایت تناسب میان جرم و مجازات، و پیش‌بینی موانع ارفاقی مانند تخفیف، تعلیق و آزادی مشروط، به‌ویژه در شرایط گستردگی آثار جانبی و لحاظ اصل مسئولیت محض در برخی حالات مشدد، ضروری است.

۲. شایسته است دستگاه قانون‌گذاری، نه‌تنها، نسبتِ متوازنی میان دو رویکردِ مجازات‌محور و مجوزمحور برقرار کند و از این‌نظر، نظام قانون‌گذاری، نیازمند پوست‌اندازی کلی است بلکه به «سمن»ها و جامعهٔ مدنی نقش بیشتری در امر پایشِ اموال عمومی بدهد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

منابع

فارسی

- پیرسون، جان (۱۳۷۸)، «توسعه و محیط‌زیست». چاپ شده در: **رشد و توسعه**، ترجمه: منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تورنر آرک، پیرس‌دی. باتمن‌ای (۱۳۷۴)، **اقتصاد محیط‌زیست**، ترجمه: سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- رستمی، هادی (۱۳۹۵)، «تقابل وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی فایده‌محور در توجیه کیفر»، **پژوهش‌نامه حقوق کیفری گیلان**، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، شمارهٔ پیاپی ۱۴.
- رمضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «تأملی بر نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در دعاوی کیفری زیست‌محیطی»، **نامه مفید**، شماره ۶۷.
- کاپوراسو، جیمز.ای. و پی.لوین، دیوید (۱۳۸۷)، **نظریه‌های اقتصاد سیاسی**، ترجمه: محمود عبدالله‌زاده، تهران: نشر ثالث.
- نگوین، کک دین؛ دییه، پاتریک و پله، آلن (۱۳۸۲)، **حقوق بین‌الملل عمومی**، ترجمه: حسن حبیبی، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کلارک، باری (۱۳۸۹)، **اقتصاد سیاسی تطبیقی**، مترجم عباس حاتمی، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
- منکیو، گریگوری (۱۳۸۷)، **نظریه اقتصاد خرد**، ترجمه حمید رضا ارباب، تهران: نشر نی.
- مولائی، آیت (۱۳۸۸)، «مبانی و اصول توسعه پایدار زیست‌محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، چاپ شده در: **حقوق محیط‌زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها)**، تهران: دفترحقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- مولائی، آیت (۱۳۹۵)، «اقتصادی‌سازی ابزارهای مقابله با آثار جانبی در قانون مدیریت پسماندها»، **دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی**، سال بیست‌وسوم، شماره ۱۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در: **علوم جنایی؛ مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری**، تهران: انتشارت سمت.
- هاولت، مایکل و رامش، ام (۱۳۸۰)، **مطالعه خط مشی عمومی**، ترجمه: عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- همتی، مجتبی (۱۳۹۷)، «اقامه دعوای جبران خسارت زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۱.

انگلیسی

- Beck Hanno T., (1999), "Land Value Taxation and Ecological Tax Reform", Available at: http://www.taxpolicy.com/etrbeck.htm. Last Visited: 18/2/2018
- Birnie, P.W. and Boyle, A. E. (2000). **International Law and the Environment**. Oxford: Oxford University Press.
- Bronwen, Morgan and Yeung, Karen (2009). **An Introduction to Law and Regulation**. Cambridge: Cambridge University Press.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]

- Daintith T., (1998), Legal Measures and Their Analysis, PP 350 – 371 in: Baldwin, R., Hood, C. and Scott, C., (eds.), (1998), **A Reader on Regulation**, Oxford, Oxford University Press.
- Jowell, Jeffery and Dawn, Oliver (ed). (1994). **The Changing Constitution**. Third Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Linder Stephen H. & Guy Peters B., (1989), "Instruments of Government: Perceptions and Contexts", **Journal of Public Policy**, No. 9. 1, PP 35 – 58.
- Mansfield, Edwin (1982). **Micro – Economics: Theory and Applications**. 4th ed. New York: W.W. Norton Co.
- Nakamura, Robert T. and Church, Thomas W. (2003). **Taming Regulation: Superfund and the Challenge of Regulatory Reform**. Washington, D.c.: Brooking Institution Press.
- Thomas, S. (2013), Government Regulation of Business. New York, McGraw-Hill.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-02-03]